



۲۰۲۰/۰۸/۱۴



ف، هیرمند

## نگاهی به رویداد مربوط به خانم بلقیس روشن

وقتی به واقعه ضرب و تعرض فیزیکی به بلقیس روشن نگاه می‌کنیم، اگر مبتنی بر اصول و دساتیر، ادعا شده در قانون اساسی و سایر قوانین مروج در کشور این واقعه را تثبیت ماهیت بنمائیم، چه مفاهیم و تعاریفی را خواهیم یافت:

- نقض و تعرض به حق بنیادی آزادی بیان
- ضربه به تمامیت جسمی یک شهروند
- نقض و زیر پا کردن کرامت انسانی شهروند
- تعرض به یک انسانی که از قضا متعلق به جنس زیر پا شده در جامعه است
- حمله فیزیکی به یک شخصیتی که دارای مصونیت پارلمانی است
- حمله به یک شخصیتی که موظف خدمات عامه است، حین اجرای وظیفه
- نقض آداب و روش مدنی علیه بلقیس

اگر کسی چنین فهرست مفاهیم فعل ارتكابی بر علیه خانم بلقیس را ردیف کرده باشد یا نه کرده باشد، فهم این واقعیت در رویدادی که به عمل آمد، وجود دارد، این واقعه اگر در حد میان دو انسان به وقوع می‌پیوست شاید معنی دیگری پیدا می‌کرد، اگر این رویداد بالای یک انسان عادی رخ میداد شاید مفهوم دیگری را افاده می‌کرد، اگر این واقعه علیه یک شخص متعلق به تنظیمی‌ها رخ میداد، تعریف دیگری می‌شد، نه از آن جهت که برای خانم بلقیس بزرگ نمایی گردد، بلکه برای "تثبیت و خامت عمل ارتكابی"؛ موقف شخص قربانی، محل و وضعیت ارتكاب فعل چنین اختصاصی سازی حالت موضوع برجسته شده است....

اما این تعرض به کرامت انسانی یک خانم مبارز و ممثل اهداف گروه‌های وسیع از جامعه ما ارتكاب یافته که تعریف قانونی و حقوقی آن در هفت بند بالا به صورت مؤجز گرد آوری شده است، هنوز در آن هفت بند، اثرات عمومی و اجتماعی این حرکت غیر مدنی شرح داده نه شده است، زیرا در آن صورت حمایت بشری، حقوقی و انسانی از کرامت و حقوق حقه خانم بلقیس مهر سیاسی می‌خورد.

اینکه عمل مرتکب چگونه سازمان داده شده یا پلان شده بوده است، یا یک عمل خود رو، فی الفور و آنرا رخ داده باشد و یا به سبب بغض شخصی و یا حسادت و یا بدبینی و کینه انجام یافته باشد، با حفظ اینکه پس کشک‌های شاید داشته باشد، در ماهیت خود عمل که در محل بزرگی به وسعت تالار لویه جرگه و در حضور سه هزار و چند صد شخص به صورت یک نمایش اذیت کننده اجرا می‌شود و میلیون‌ها انسان در سراسر جهان آنرا تماشا میکنند، ماهیت و ابعاد اثرات بعدی

این رخداد را هنوز هم گسترده تر می سازد؛ اینکه ذهنیت عامه دنیا در باره ما و لویه جرگه ما و رویداد های درونی آن و ماهیتش چه نتیجه ای میگیرند، شاید بهتر و با ثمرتر از نتایج تصامیم آن نباشد.

اما گوشه دیگر این رخداد را نیز باید متذکر شد، آن اینکه؛ وقتی شخصی به صورت فزیکتی و یا از لحاظ وقار و حیثیت و کرامت و از هر دو جهت مورد هجوم و تعرض باشد و دیگران که بیننده و تماشاگر این واقعه اند، به حکم اصول و قانون مکلف به حمایت و کمک به قربانی یا مجنی الیه باشند و اگر این مکلفیت قانونی را به جا نکنند، مسؤلیت جدی خواهند داشت... مگر این اصل بزرگ حقوقی کنونی، برای حاضران آن جرگه آشنا و قابل درک بوده است...؟؟

مگر آیا حین وقوع آن رخداد، چنین حسی در میان اعضای محترم آن جرگه یا تماشاچیان واقعه مشهود بود...؟؟ درست در اخیر کار که اجرای فعل ارتكابی کامل شد، عده ای برای جمع کردن دامنه آن رخداد در صحنه شتافتند. اگر به واکنش ها و عکس العمل به این واقعه در داخل آن تالار نگاه شود، خونسردی و بی تفاوتی در برابر این واقعه به صورت عریان قابل دید است و این شاید از آن جهت باشد که جامعه خشونت زده، و غالباً زن ستیز و کرخت در برابر خورد شدن، فرو ریختن و شکسته شدن انسان و... نمی توانست بیشتر از این واکنشی به عمل آورد.

آن آقای که برخاست و به عقب تریبون رفت و خانم بلقیس را با رکیک ترین الفاظ اهانت نمود، فرهنگ خودش و فرهنگ سیاسی و ایدئولوژیک خودش بود که برون داد و نمی شود - به جز همفکرانش - همه را در چنین عکس العملی ذیدخل دانست.

و بعد عکس العمل رسمی گردانندگان لویه جرگه که ماهیت عمل را به لحاظ محتوی جرمی آن حس کردند از ناگزیری و رعایت جلوه قانونی آن جرگه، از آن انتقاد نموده و با "دلسوزی...!!" از خانم بلقیس حمایت کردند.

چه باید کرد، آیا برای باز کردن هر چه بیشتر فضا برای تحقق حقوق بنیادی انسان منجمله "حق آزادی بیان" باز هم و باز هم خود را در آب و آتش زد و قربانی داد...؟؟ آیا مخالفان چنین آزادی های مجال میدهند که دامنه آزادی های اساسی فردی توسعه یابد...؟؟ آیا شباهت های سلیقه یی میان چنین اعمالی و آنچه که طالبان خواهانش اند ملاحظه نمی شود...؟؟ آیا ارتكاب نقض آزادی بیان، مهر صحت بر مثنی طالبانی نیست...؟؟ آیا مگر وقوع این رخداد، مقیاس فهم ما از ارزش های انسانی دوران ما را به نمایش نه گذاشت...؟؟

این قلم به رنج و ضجه ای که خانم بلقیس حین هجوم فزیکتی و روانی بر تمامیت جسمی و روحی اش متحمل شده و از آن آسیب های عمیقی برداشته، می اندیشم و عذابی را که از خوردن بر صحن تالار و دور افتادن چادرش متحمل گردیده، فکر میکنم، به کرامت و وقار این خانم معزز و گرامی که بهای مردمگرایی اش را با زیر پاشدن کرامت انسانی خود می پردازد، می اندیشم به اینکه جامعه ما این وقایع را به خاطر بسپارد، به یاد داشته باشد که ارزش های انسانی اعضایش و قربانی های آنان را فراموش نه کنند و پاس آنها داشته باشند. پایان



تذکر: هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "ارشیف" شان رهنمائی شوند!

نگاهی به رویداد مربوط به خانم بلقیس روشن  
[f\\_hermand\\_roydad\\_ba\\_belqjis\\_roshan.pdf](http://f_hermand_roydad_ba_belqjis_roshan.pdf)